

تروریسم اقتصادی، خطرناکتر از تروریسم سیاسی

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه نماز جمعه اول آبانماه ۶۰، مبارزه برای "بیرون کشیدن اموال نامشروع از حلقوم کردن کلفت های اقتصادی" را به مثابه گام مهمی هر جهت "حل مسئله محرومان و مسئله استضعاف" عنوان کرد. امام جمعه موقت تهران در پاسخ به یک ضرورت اساسی انقلاب تاکید کرد که، آنچه از مستضعفان ربوده شده، باید از مستکبران و "کردن کلفت ها" پس گرفته شود، حتی اگر مهربیزانان باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه نماز جمعه هفته قبل، ربایندگان بیت المال سود پرستان و خرابکاران فعال در عرصه های اقتصادی را با عنوان "تروریست اقتصادی" مورد خطاب قرار داد. در پی این خطاب، حجت الاسلام موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی نیز بخشی از مباحث مطبوعاتی و رادیویی تلویزیونی خود را به "تروریسم اقتصادی"، که موبایانوار انقلاب را از پای می-جود، اختصاص داد. دادستان کل انقلاب این تروریست ها را که در سیاهای مختل کنندگان و دسیسگران در جهت اقتصاد عمل میکنند، "شور"، "جنايتكار" و "ضدانقلاب" توصیف کرد و تصمیم به "مقابله شدید" و "محاكمه" آنها را به تاکید اعلام داشت.

مطرح شدن خطر جدی تروریسم اقتصادی، درست در شرایطی که تلاش های مکرر و متنوع تروریسم سیاسی برای تحلیل بردن و به زانو در آوردن انقلاب باشکست های سختی روبرو شده است، بیش از همه نشانه عزم انقلاب برای فائق آمدن بر یکی از موانع بزرگ رویش های است. تروریسم اقتصادی به مراتب از تروریسم سیاسی مهلک تر، و در روش های خودمؤدی تر است. تروریسم فرغان در مدت کوتاهی کمر شکن شد، پیم گذاری ها و خرابکاری های شبکه های ساواکی و امریکائی با ضربات خردکننده ای از سوی مردم مواجه گردید، سازمان مجاهدین خلق، با همه وسعت و نفوذی که موهون مبارزات پایه گذاران شهید آن بود، در مدت کوتاهی دچار ورشکستگی شد و تلاش های بی منطق و انتحار آمیز آن در این گوشه و آن گوشه، برهان همین افلاس و شوره پاشی ناشی از آنست. اما پیروزی بر تروریسم اقتصادی، دشوارتر و نیازمند به وقت و انرژی و بهگیری و هوشیاری و مهارت بیشتر است. برای درهم شکستن این دشمن مکار، که با طعمه های نیروی اقتصادی او، مناسبات عمیق و کهن اجتماعی او، پشتوانه جهانی او، و سلطه او بر مواضع کنیدی و حساسیت اقتصاد کشور است، باید نخست او را در هم باجد و ظرفیت هایش شناخت.

تروریسم اقتصادی،

امید نهایی امپریالیسم

تروریسم اقتصادی زوی دیگر که تروریسم سیاسی و تندپدکننده آنست، تروریسم اقتصادی با فشار بر توده ها، دام زدن به ناراضی ها و کمبودها، دلسرد کردن مردم از انقلاب، برای تروریسم سیاسی زمینه سازی میکند. در حالی که از نخستین روز پیروزی انقلاب، تروریسم سیاسی ابزار ستمان در دست ضد انقلاب

داخلی و خارجی بود، هم ضدانقلاب داخلی و هم الهام دهنده و بر شد و محل اتکای آن، یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، امید نهایی خود را به تروریسم اقتصادی بسته بودند.

تروریسم اقتصادی در جنبه خارجی آن بر آن بود که با محاصره و تحریم اقتصاد ایران انقلابی، جامعه ای را که از دولت سر رژیم سوم شاه، بند بند وجودش در گرو واردات افسار گسیخته خارجی بود، به تنظیم و تکین وادارد و اگر سازش میرشد، از درون آنرا از هم بپاند. این توطئه و شانتاز بوسیله تروریست های اقتصادی داخل کشور تکمیل میشد. حلوه باز آن را در افشاکری تکان دهنده سرپرست اسبق سازمان برنامه بودجه در مجلس شورای اسلامی دیدیم. و بر شالوده ایسن افشاکری دیدیم که درست در شرایطی که فشار محاصره اقتصادی امپریالیستی علیه ایران انقلابی تنگ تر و شدیدتر میشد، تمار و وارد کنندگان کلان، محترکان، سفته بازان، و زد و بند جهان بازار تنها در ظرف یکسال ۱۲۰ میلیارد تومان سود خالص، یا به عبارت درست تر، غارت خالص داشتند. این رقم سرگینا و بر برابر است با حجم تاراج این حضرات در پناه نظم منحوس شاهنشاهی طی پنجسال. و کینه مسئله هم اینجا است. ضربات خون سردانهای که این دشمنان واقعی و نقاب دار انقلاب بر حواس ترین اعضای آن وارد میآوردند و با فشردن گلوئی مستضعفان، حامیان واقعی انقلاب را بسوی سرخوردگی و یاس از آن میگرداندند، به مراتب زهر آگین تر از گلوله های تروریست های امریکائی فرغان به سینمو شقیقه رهبران انقلاب شلیک میکردند. تروریست های فرغان میوه ها و گل های سر سبد انقلاب را پایمال میکردند، اما تروریست های اقتصادی با خاطری آسوده و ظاهری حق به جانب، به ریشه انقلاب تیشه میزدند.

پایگاه های تروریسم اقتصادی

پایگاه واقعی تروریسم اقتصادی در مرحله نخست همان پایگاه امپریالیسم در میهن ماست. مبارزه ضد امپریالیستی هنگامی به نتیجه مطلوب میرسد، که این پایگاه ها و مناسبات برآمده از آن ویران شود. برجیدن بساط کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران، اجرای نام و تمام قانون ملی کردن تجارت خارجی، کوتاه کردن دست محترکان، سفته بازان، بزرگ دلالان، برپا کنندگان بازار سهام و ایجاد کنندگان کمبود تصنعی، اداره کنندگان بازار قاچاق و هم چنین، به قول رئیس مجلس شورای اسلامی "کردن کلفت های اقتصادی"، که ادامه حیات اقتصادی آنها به معنی میکده شدن بازم بیشتر خون زحمتکشان و مستضعفان است. در واقع مبارزه عملی برای بیرون انداختن کامل امپریالیسم و بی بازگشت کردن این مبارزه استقلال طلبانه و حیاتی است.

در مرحله دوم، مبارزه با تروریسم اقتصادی، کوشش برای خشکاندن ریشه امپریالیسم است. لیبرالیسم در عرصه اقتصاد میهن ما با هزار رشته مرئی و نامرئی به بازار جهانی سرمایه داری انحصاری وابسته است و به همین دلیل موجد و مدافع و گسترنده

مناسبات وابستگی است. خفتی کردن ایزدی-ها و امپریالیسم ها، در عین حال که مبارزه با امپریالیسم است، مبارزه با معلول است، نه با علت. علت امپریالیسم، پایگاه ها و مناسبات اقتصادی وابسته به آن، آمیخته به طبیعت آن و پامتنایل به آنست. تا وقتی این پایگاه ها و مناسبات وجود دارد، جای ایزدی ها، امپریالیسم ها و قطب زاده ها و مدنی های شناخته شده را ایزدی ها، امپریالیسم ها و قطب زاده ها و مدنی های ناشناخته به مثابه نمایندگان منافع و حامیان امپریالیسم پرمیکنند. برای از بین بردن پشمهای مرداب، باید مرداب را خشکاند، باید نه تنها مناسبات زائد هوار، استثمار گرانه و وابسته را محدود کرد و یا از بین برد، بلکه ثروت های غارت شده را، که ذخیره ضد انقلاب است، به بیان حجت الاسلام رفسنجانی، "حتی اگر در مهر به زنان" "کردن کلفت ها" و مستکبران باشد، منافع محرومین باز پس گرفت

شیوه مبارزه

با تروریست های عرصه اقتصاد

مبارزه با تروریسم اقتصادی، همان مبارزه در راه مستضعفان و به نفع زحمت کشان و محرومین است. انقلاب اسلامی ایران بر دوش همین زحمتکشان بی نصیب، و به قول امام خمینی "پارهنه ها" و کوخ نشینان به سر منزل پیروزی رسید و با خون و استقامت و پایداری اینان، هر خطر و هجومی را تا کنون دفع کرده است. بخشی از وظیفه دفاع عملی از این باران وفادار انقلاب، برداشتن بار سنگین گرانی، تورم و کمبود است. آنها است. قطع موجبات و وسایل دوشیدن و میکیدن خون و رفق آنها است. مبارزه با تروریسم اقتصادی، در هم کوبیدن شبکه های تودرتو و انحصاری توزیع کالا

ساین پایگاه های غارت و احتکار و گرانی و سلف خری و بیگاری و بازار سپاه و استثمار و حشایند بهترین دفاع از مستضعفان است. پیروزی انقلاب در تحلیل نهائی بستگی به دگرگونی اقتصادی-اجتماعی جامعه به سود توده های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و توزیع عادلانه ثروت، محصول کار اجتماعی و امکانات رفاهی و خدماتی در تمام عرصه ها دارد.

تلاش در این روند باید از یکسوم توجه از بین بردن مناسبات و آهرم های اقتصادی بنا-سالم و بیرون کشیدن آن از دست به اصطلاح تروریست های اقتصادی باشد، و از سوی دیگر با تجدید نظر در توزیع درآمد عمومی و تجدید توزیع ثروت های غارت شده و انباشته، قطعی بودن جامعه را تعدیل کند، و فاصله فقر و ثروت و کاخ و کوخ را به حد متعادل و قابل پذیرش برساند.

همانطور که موفقیت در عرصه مبارزه با تروریسم سیاسی، به میزان حضور و شرکت مردم در این عرصه بستگی داشت و دارد، مبارزه رفیو همجانبه با تروریسم اقتصادی، چه در شکل احتکاری آن، چه در شکل ایجاد بازار سپاه تصنی، چه گرانی مصنوعی ناشی از انحصاری کردن شبکه های توزیع و

عرضه کالا و چنانکه دیگر، نیازمند بسیج
توده‌ها و شرکت مستقیم و مبتنی بر نظم و
برنامه آنهاست. درکنار وضع قوانین انقلابی
و اجرای سریع و قاطع آنها، درکنار امر ملی کردن
وسایل و مواضع کلیدی اقتصادی بطریقی که
قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده
بازی مادی و معنوی دولت در گسترش و تقویت

شبهه تعاونی‌های مردمی، تشویق مردم و امکان
دادن به آنها و نهادها و تشکل‌های برآمده از
مردم، مانند انواع شوراهای، برای نظارت بر
تولید و توزیع و فروش و کنترل نرخ‌ها و غیره،
در این کار و کارزار، چاره‌ساز است. مردم نشان
دادماندگی همواره برای پیشبرد هر آنچه به
معالج‌واقعی انقلاب و سرنوشت و زندگی

آنها مربوط است، آمادگی کامل دارند. آنها
که انقلاب کرده‌اند، خود آمادگی دفاع از آنرا
هم دارند. تکیه به مردم همان اعتماد کردن به
مردم در عمل است. باید مسائل و گروه‌ها را صاف و
صریح با مردم در میان گذاشت، با آنها شور کرد و
از آنها نظر خواست و باری فعال آنها را در
همه شئون و امور طلبید.

اتحاد مردم

ارگن اتحاد مومکراتیک مردم ایران

نقل از :

شماره ۱۰۱ دوره سوم دوشنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۶۰

تکثیر از سازمان دانشجویان مرفقی ایرانی در برلن غربی